

زندگی اوژن پوتیه



عکس برگرفته از «اینترنت»

اوژن پوتیه شاعری انقلابی بود که شعر انترناسیونال را در فردای شکست کمون پاریس بسال ۱۸۷۱ سرود. کمون پاریس نخستین تلاش طبقه کارگر برای کسب قدرت بحساب می‌آمد. حال این شعر به سرود کارگران آگاه در تمامی کشورها بدل گشته است. ۲۵ سال بعد از مرگ پوتیه، لنین مطلب ذیل را در مورد این شعر و سراینده اش نگاشت:

«نوامبر سال گذشته - ۱۹۱۲ - مصادف بود با بیست و پنجمین سال درگذشت کارگر و شاعر انقلابی فرانسوی، اوژن پوتیه. او سراینده شهر مشهور پرولتری، «انترناسیونال»، است: "برخیز! ای داغ لعنت خورده...."

این شعر به تمامی زبانها - اعم از اروپائی و غیراروپائی - ترجمه شده است. وقتی دست سرنوشت، یک کارگر آگاه را به نقطه ای از جهان پرتاب میکند که او خود را در آنجا بیگانه، ناآشنا به زبان، بدون دوست، دور از کشور خود می یابد، او میتواند با ترنم آشنای "انترناسیونال" رفقا و دوستانش را پیدا کند.

کارگران همه کشورها، اثر رزمنده پیگیر و شاعر پرولتر را بتصویب رسانده و آنرا به شعر جهانی پرولتاریا بدل ساختند.

به همین ترتیب کارگران همه کشورها اینک بر خاطره اوژن پوتیه ارج مینهند. همسر و دختر وی هنوز در قید حیاتند و با تنگدستی روزگار میگذرانند. سراینده انترناسیونال نیز همه عمر را به مسکنت گذراند. او بتاريخ ۴ اکتبر ۱۸۱۶ در پاریس متولد شد. ۱۴ ساله بود که نخستین ترانه اش را سرود و بر آن عنوان "زنده باد آزادی!" نهاد. بسال ۱۸۴۸ او بمثابه یک جنگجو در سنگر نبرد عظیم کارگران علیه بورژوازی قرار داشت.

پوتیه در خانواده ای فقیر تولد یافت و تمام عمر را در فقر گذراند. او نخست بعنوان کارگر بسته بند و سپس قالب ریز کارگاه، قوت لایموتش را تامین میکرد. از سال ۱۸۴۰ به بعد، او به تمامی وقایع بزرگ در حیات فرانسه با شعر پاسخ گفت، آگاهی را در میان عقب ماندگان برانگیخت، کارگران را به اتحاد فراخواند و بورژوازی و حکومت بورژوائی فرانسه را بزیر شلاق کشاند.

در روزهای کمون کبیر پاریس (۱۸۷۱)، پوتیه به عضویت کمون انتخاب شد. از ۳۶۰۰ رای، ۳۳۵۲ رای نصیب وی گشت. او در فعالیتهای نخستین حکومت پرولتری یعنی کمون شرکت جست.

سقوط کمون، پوتیه را مجبور کرد به انگلستان بگریزد و سپس به آمریکا برود. او شعر مشهور انترناسیونال را در ژوئن ۱۸۷۱، فردای شکست خونین ماه مه، سروده است.

کمون درهم شکسته شد اما انترناسیونال پوتیه، ایده های کمون را در سراسر جهان اشاعه داد و این ایده ها زنده تر از هر زمان دیگر گشته است.

بسال ۱۸۷۶، پوتیه در تبعید شعر "از کارگران آمریکا به کارگران فرانسه" را سرود. پوتیه در این شعر زندگی کارگران را زیر یوغ امپریالیسم، فقر، کار کمرشکن، استثمار و اعتماد استوار آنان به پیروزی فردا را تصویر کرده است.

فقط ۹ سال از کمون میگذشت که پوتیه به فرانسه بازگشت و به "حزب کارگران" پیوست. نخستین جلد دیوان وی بسال ۱۸۸۴ منتشر شد. جلد دوم تحت عنوان "ترانه های انقلابی" در سال ۱۸۸۷ بچاپ رسید.

شماری از ترانه های دیگر این کارگر شاعر بعد از مرگ وی منتشر گردید.

۸ نوامبر ۱۸۸۷، کارگران پاریس جسد اوژن پوتیه را به گورستان "پرلاشز"، محل دفن کمونارهای اعدامی، حمل کردند. پلیس با سبعیت به جمعیت حمله برد تا پرچم سرخ را بزور از دستشان خارج سازد. جمعیتی گسترده در مراسم تشییع جنازه شرکت بسته بود. از هر طرف فریاد "زنده باد پوتیه!" بگوش میرسید.

پوتیه در فقر مرد. اما از خود یادگاری بجای نهاد که ماندگارتر از هر اثر آفریده دست بشر است. پوتیه یکی از بزرگترین مروجین ترانه ساز بود. وقتیکه او نخستین ترانه اش را سرود، شمار کارگران سوسیالیست حداکثر چند ده نفر میشد. اینک دهها میلیون پرولتر با شعر تاریخی اوژن پوتیه آشنايند.»

مقاله زیر که به ترسیم زمینه تاریخی ظهور سرود انترناسیونال میپردازد، از هفته نامه "خبرنامه پکن" بسال ۱۹۷۲ استخراج شده است:

۱۸ مارس ۱۸۷۱، پرولتاریا و مردم پاریس قیام مسلح جسورانه ای را برپا داشتند و کمون پاریس را پایه گذاری نمودند. این نخستین رژیم پرولتری در تاریخ بشر، نخستین تلاش عظیم پرولتاریا جهت سرنگونی بورژوازی و استقرار دیکتاتوری پرولتاریا بود. کمون پاریس بواسطه تهاجم سخت و سرکوب خونین "تی یر" جلاد و همکاری بیسمارک شکست خورد. اما همانگونه که مارکس خاطر نشان ساخت: جنبش افتخار آفرین ۱۸ مارس "طلوع انقلاب عظیم اجتماعی بود که بشر را برای همیشه از رژیم طبقاتی رها میسازد.

"اعضای کمون پاریس مقاومت شدیداً قهرمانه ای در مقابل دشمنان طبقاتی داخلی و خارجی از خود نشان دادند. در آن هفته خونریزی، خیابانها از جسد پوشیده بود و لخته های خون در هر کجای پاریس موج میزد. پیگرد و کشتار تا اوائل ژوئن ادامه داشت. یک روزنامه ورسائی بتاریخ

۳۰ مه اعلام کرد که اوژن پوتیه دستگیر شده و بقتل رسیده است. اما در واقع، شاعر در اختفا بسر میبرد. در میانه غرش گلوله و آتش، زیر بار تهدید مرگ، زمانیکه پشت پنجره گاریهای حامل اجساد قربانیان عبور میکرد، شاعر پرولتر بزرگ ما در روزهای نخستین ژوئن در حومه پاریس بسر میبرد. و بی آنکه تزلزل یا روحیه باختگی در او راه یابد، تجربه شکست را جمعبندی میکرد و احساسات جوشانش را به کلمه تبدیل مینمود تا شعری فوق العاده و الهامبخش بسراید: "انترناسیونال". شعر از اراده استوار بردگانی که تاریخ را آفریدند و ایمان به پیروزی حتمی امر کمونیسیم آکنده شد. "انترناسیونال" پیش بینی میکرد که: "بگذار هر چیز مکان خود را بیابد، انترناسیونال میباید نژاد بشر گردد." پوتیه با سرودن شعر خود، بنای یادبود فناپذیری را برای اعضای کمون پاریس برپا داشت، و در عین حال "انترناسیونال"، فراخوان قهرمانان کمون به آیندگان بود که انقلاب را تا به آخر به پیش برند.

در ماه ژوئن ۱۸۸۸، شش ماه بعد از مرگ پوتیه، "پی یر دوژیته" برای نخستین بار شعر انترناسیونال را خواند. این کارگر و آهنگساز فرانسوی از روح انترناسیونال بشوق آمد. بازبینی تجربه تاریخی جنبش کارگری، او را بفکر خیلی چیزها انداخت - وفاداری پوتیه و توده ها به مارکسیسم و خواستشان به کمونیسیم، زندگی پوتیه، صحنه های نبرد کمون پاریس... گوئی بسال کبیر ۱۸۷۱ بازگشته است. پس شب هنگام، کار آهنگ گذاشتن بروی انترناسیونال را با ارگ ساده اش شروع نمود. دوژیته تمام شب را کار کرد و وقتی وظیفه اش به انجام رسید که خورشید از شرق طلوع کرده بود.

در ژوئیه ۱۸۸۸، آهنگساز در یک گردهمائی از سوی روزنامه فروشان شهر لیل، نخستین اجرای کر انترناسیونال را رهبری نمود. از آن پس، انترناسیونال در تمام فرانسه و جهان اشاعه یافته و به صلاهی نبرد پرولتاریا و کارگران همه کشورها بدل گشته است.

سرود انترناسیونال

برخیز ای داغ لعنت خورده	دنیای فقر و بندگی
جوشیده خاطر ما را برده	به جنگ مرگ و زندگی
باید از ریشه براندازیم	کهنه جهان جور و بند
و آنگه نوین جهانی سازیم	هیچ بودگان هرچیز گردند
روز قطعی جدال است	آخرین رزم ما
انترناسیونال است	نژاد انسانها (۲)

برما نبخشند فتح و شادی	خدا، نه شه نه قهرمان
با دست خود گیریم آزادی	در پیکارهای بی امان

تا ظلم از عالم بروییم
دمیم آتش را و بکوئیم
روز قطعی جدال است
انترناسیونال است

نعمت خود آریم به کف
تا وقتیکه آهن گرم است
آخرین رزم ما
نژاد انسانها (۲)

تنها ما توده جهانیم
داریم حقوق جهانبانی
غرد وقتی رعد مرگ آور
در این عالم بر ما سراسر

اردوی بیشمار کار
نه که خونخواران غدار
بر رهنان و دژخیمان
تا بد خورشید نور افشان

روز قطعی جدال است
انترناسیونال است

آخرین رزم ما
نژاد انسانها (۲)

اردیبهشت ماه ۸۸

جمعی از فعالین کارگری (jafk)

kargaranfa@gmail.com

jafk.blogfa.com